

# کارایی عدالت انتقالی در لیبی

دکتر فهیمه سردشتی

## چکیده:

نظام بین‌الملل همواره شاهد درگیریها و جنگهای خونین میان کشورها یا در درون کشورها بوده است. کشتار مردمان بی‌گناه که در بسیاری موارد به دست دولتهای خودشان صورت پذیرفته، نظام بین‌الملل را واداشت تا راهکارهایی در این زمینه جستجو کند. در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، بویژه در سالهای پس از جدا شدن کشورهای از اتحاد جماهیر شوروی که موجی از قتل عام و نسل‌کشی در پاره‌ای از این کشورها به راه افتاد، تدابیری بویژه با هدف جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشر، به کیفر رسیدن مجرمان و جبران خسارت قربانیان اتخاذ شد و عدالت انتقالی از جمله این تدابیر بوده است. در این نوشتار به چگونگی پیدایش عدالت انتقالی، هدفها و راهکارهای آن، با یک نمونه (لیبی) می‌پردازیم و کارایی عدالت انتقالی را در کشورهایی که جنگ یا رهایی از حکومت دیکتاتوری را تجربه کرده‌اند، بررسی می‌کنیم.

## درآمد

جنگ چه در سطح بین‌المللی، چه در سطح منطقه‌ای یا در درون کشورها، همواره سرچشمه رویدادهای ناگوار و آسیبهای بسیار همچون کشتار، تجاوز و آوارگی بوده است که بیشتر زیر عناوینی چون نقض حقوق بشر یا جنایت نسبت به بشریت جای می‌گیرد و به دنبال آن قوانین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه کاربرد می‌یابد. بویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه دربرگیرنده اصول و مقرراتی است ناظر به زمان جنگ و پشتیبانی بشردوستانه از غیرنظامیان، جنگجویان

زخمی و بیمار، و زندانیان جنگی. مهمترین اسناد در این زمینه، کنوانسیون ژنو درباره پشتیبانی از قربانیان جنگ (۱۹۴۹) و دو پروتکل الحاقیست که در ۱۹۷۷ زیر نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تنظیم و تصویب شده است. سازمان ملل در چند سال گذشته نقشی برجسته در تلاشها برای پیشبرد حقوق بشردوستانه بین‌المللی بازی کرده است. شورای امنیت به گونه چشمگیر به پشتیبانی از غیرنظامیان در درگیریهای مسلحانه و حمایت از حقوق بشر و پاسداری از کودکان در جنگها پرداخته است. برپا شدن دادگاههای

● کشورهای غربی در پی کمکهای خود به شهروندان لیبی در راه براندازی حکومت معمر قذافی، باید در چارچوب «عدالت انتقالی» و با برپا کردن دادگاههای کیفری، کمیسیونهای حقیقت یاب به منظور شناسایی مرتکبان جنایات و همچنین تعیین و جبران خسارات قربانیان در گام نخست و سپس پایه‌گذاری حکومتی مشروع و دموکراتیک در پرتو یک قانون اساسی کارآمد، زمینه‌ساز ثبات و امنیت در لیبی می‌شدند.

(annabaa.org/news/9862016)

پرسش: چرا با آنکه هدف شهروندان لیبی از دست زدن به انقلاب، برقراری حکومت دموکراتیک و برخوردار شدن از آزادهای سیاسی و مذهبی بوده و جامعه بین‌الملل نیز در این زمینه به یاری آنان برخاسته، نه تنها این هدفها جامه عمل نپوشیده بلکه لیبی شاهد جنگ داخلی و رویارویی گروههایی شده است که به نمایندگی از اقوام و قبایل گوناگون در پی به دست گرفتن قدرتند؟

فرضیه: کشورهای غربی در پی کمکهای خود به شهروندان لیبی در راه براندازی حکومت معمر قذافی، باید در چارچوب «عدالت انتقالی» (Transitional Justice) و با برپا کردن دادگاههای کیفری، کمیسیونهای حقیقت یاب به منظور شناسایی مرتکبان جنایات و همچنین تعیین و جبران خسارات قربانیان در گام نخست و سپس پایه‌گذاری حکومتی مشروع و دموکراتیک در پرتو یک قانون اساسی کارآمد، زمینه‌ساز ثبات و امنیت در لیبی می‌شدند.

در این نوشتار پس از پرداختن به زمینه‌های شکل‌گیری عدالت انتقالی، هدفها و راهکارهای آن و گزینش نمونه‌ای عینی (لیبی)، کارایی عدالت انتقالی در کشورهایی که گرفتار جنگ، انقلاب و شورشهای داخلی بوده‌اند، بررسی می‌شود.

**عدالت انتقالی:** مردمانی که گرفتار حکومت اقتدارگرا، ستیزهای داخلی، برخوردهای مرزی یا آمیزه‌ای از اینها بوده‌اند، ناگزیر طعم تلخ تجاوزگری و پایمال شدن حقوق بشر را چشیده و با مواردی همچون

کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم و جنایتهای رخ داده در یوگسلاوی سابق و رواندا و همچنین دادگاههایی در تیمور - لسه، سیرالئون و کامبوج نه تنها به تضمین پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، که همچنین به افزایش شناخت از حقوق بشردوستانه کمک کرده است (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۴:۳۰۵).

در پی انقلابهای تونس و مصر، شهروندان لیبی نیز در نخستین ماههای ۲۰۱۱ در برابر رژیم دیکتاتوری معمر قذافی به پا خاستند، ولی برخلاف رهبران تونس و مصر، معمر قذافی به کناره‌گیری از قدرت تن در نداد و در زمانی بسیار اندک، جنگی خانمانسوز میان شورشیان مسلح و نیروهای دولتی به راه افتاد. نیروهای دولتی از زمین و هوا دست به کشتار مخالفان گشودند و کار تا آنجا بالا گرفت که بحران لیبی مایه نگرانی جدی جامعه جهانی شد و اتحادیه عرب، اتحادیه آفریقا، سازمان کنفرانس اسلامی، شورای حقوق بشر ملل متحد و سرانجام شورای امنیت سازمان ملل متحد به آن واکنش نشان دادند. شورای امنیت در قطعنامه ۱۹۷۰ برپایه فصل هفتم منشور، اقدامات دولت لیبی را محکوم کرد و تحریمهایی در مورد دولت لیبی به اجرا گذاشت. ولی این اقدامات مایه کاهش وخامت اوضاع در لیبی نشد و از همین‌رو شورای امنیت با تصویب قطعنامه شماره ۱۹۷۳، منطقه پرواز ممنوع برفراز لیبی را تصویب کرد و همین قطعنامه دستاویز حمله برخی کشورها و ناتو به لیبی شد. (مجبی، ۱۳۹۰:۱۰۴) در داخل کشور نیز با پیروزی مخالفان در بسیاری از شهرها، شورای انتقالی ملی در بنغازی برپا شد و در اعلامیه‌ای رسمی خود را تنها نماینده مشروع لیبی معرفی کرد و در ۲۵ مارس ۲۰۱۱ یک دولت موقت تشکیل داد. سپس در پی انتخابات در سال ۲۰۱۲، دولت موقت قدرت خود را به کنگره ملی عمومی واگذار کرد که پیروز انتخابات بود. نکته درخور تأمل این است که نه شورای موقت انتقالی توانست ثبات و امنیت را در کشور برقرار کند، نه کنگره ملی عمومی و کشمکش و برخورد میان گروههای معارض همچون اخوان‌المسلمین، القاعده، دولت اسلامی و داعش و... بر سر قدرت در جای جای لیبی ادامه دارد. (pe)

در بیشتر موارد، جامعه بین‌المللی با دولت و جامعه مدنی همکاری می‌کند تا دادگاه یا نهادی موقت برای شناسایی بزهکاران و اجرای عدالت برپا شود. عدالت انتقالی به مکانیسمها و فرایندهای قضایی و غیر قضایی کوتاه‌مدت برای برخورد با آنچه از نقض حقوق بشر و خشونت‌ورزی در جامعه یا از یک حکومت توتالیتر منتقل شده است، باز می‌گردد. (Naraghi and others, 2009)

این ایده که دولت‌ها می‌توانند و باید با جنایتکاران در دوران جنگ داخلی یا فرمانروایان سرکوبگر یا اقتدارگرا برخورد کنند، کمابیش تازه است. در گذشته، بسیار بودند رهبران گروههای جنایتکار یا دولتهای متجاوز که سر به سلامت می‌بردند، بی‌آنکه به کیفر برسند و برای کردارهایشان بهایی بپردازند. ایدی امین رییس جمهوری اوگاندا نمونه‌ایست از این دست کسان. در دهه ۱۹۹۰ پژوهشگران و حقوقدانان بحث گسترده درباره چگونگی برخورد با این خشونت‌ها را آغاز کردند، درحالی که ژنوساید در رواندا و بوسنی رخ داده بود و جنگ داخلی در سومالی، سیرالئون، لیبیا، هاییتی، گواتمالا و... ادامه داشت. (Quinn, 2009)

به هر روی، مفهوم عدالت انتقالی پس از ۱۹۴۵ دریافت شد و نماد آن دادگاه نورنبرگ بود. دیوان نظامی بین‌المللی نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم از سوی چهار قدرتی که آلمان بی‌قید و شرط تسلیم آنها شده بود یعنی بریتانیای کبیر، اتحاد جماهیر شوروی، فرانسه و ایالات متحده به نمایندگی همه کشورهای برپا شد. این دادگاه ۲۴ جنایتکار جنگی برجسته آلمان نازی را محاکمه کرد و پیگرد دیگر جنایتکاران جنگی را به کشورهایی که جرایمشان را در آنها مرتکب شده بودند واگذاشت (کیتی‌جایساری، ۱۳۸۲: ۳۸). همچنین، دادگاه توکیو نیز در همین زمینه برپا شد. پس از آنکه ژاپن در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ تسلیم شد، دولتهای پیروز، تنی چند از سیاستمداران و ژنرالهای ژاپنی را به علت جنایاتی که در طول جنگ انجام داده بودند به محاکمه کشیدند. از این دادگاه با عنوان دادگاه آسیایی نورنبرگ نیز یاد می‌شود. (علامه، ۱۳۸۵: ۴۹). گرچه اهمیت شیوه کارکرد این دادگاهها در سالهای جنگ

شکنجه شدن، ربوده شدن، جنایات جنگی، جنایت نسبت به بشریت، ژنوساید، به اسارت گرفته شدن و... روبه‌رو شده‌اند. این کارها ممکن است به دست نیروهای نظامی و امنیتی دولت، گروههای شورشی، جنگجویان یا گروهی از مردمان عادی انجام گرفته باشد. در برابر، بازماندگان قربانیان، خود آسیب دیدگان، افرادی از جامعه مدنی، فعالان بین‌المللی و نهادهای فراملی که خواهان برقراری عدالتند، راهکارهایی پیشنهاد می‌کنند یا شیوه‌هایی در پیش می‌گیرند که چه بسا مایه تشنها و کشمکشهای تازه شود و صلح را به خطر اندازد. بنابراین، بحثهای فراوان درباره چگونگی پاسخگویی به این تجاوزات پیش می‌آید. (Lekha Srilam and others, 2009: 11-13) زمانی که ستیزهای خشونت‌بار به پایان می‌رسد یا دولت توتالیتر سقوط می‌کند، قربانیان و مرتکبان خشونت‌ها باید با هم در جامعه زندگی کنند و چه دشوار است که همسایگان یا اعضای یک خانواده که هوادار جناحهای گوناگون در منازعه بوده‌اند، بی‌درگیری و با آرامش در کنار یکدیگر به‌سر برند. به هر روی، این نکته اهمیت دارد که ابزارهایی برای شناسایی دست‌اندرکاران خشونت وجود داشته باشد.

● **مردمانی که گرفتار حکومت اقتدارگرا، ستیزهای داخلی، برخوردهای مرزی یا آمیزه‌ای از اینها بوده‌اند، ناگزیر طعم تلخ تجاوزگری و پایمال شدن حقوق بشر را چشیده و با مواردی همچون شکنجه شدن، ربوده شدن، جنایات جنگی، جنایت نسبت به بشریت، ژنوساید، به اسارت گرفته شدن و... روبه‌رو شده‌اند. این کارها ممکن است به دست نیروهای نظامی و امنیتی دولت، گروههای شورشی، جنگجویان یا گروهی از مردمان عادی انجام گرفته باشد. به هر روی، این نکته اهمیت دارد که ابزارهایی برای شناسایی دست‌اندرکاران خشونت وجود داشته باشد. عدالت انتقالی به مکانیسمها و فرایندهای قضایی و غیر قضایی کوتاه‌مدت برای برخورد با آنچه از نقض حقوق بشر و خشونت‌ورزی در جامعه یا از یک حکومت توتالیتر منتقل شده است، باز می‌گردد.**

● در سال ۱۹۹۲، در چارچوب «بنیاد منشور ۷۷» سرانی از کشورها از جمله کشورهای آمریکای جنوبی، آفریقا، اروپای مرکزی و خاوری با هدف معرفی بهترین روش سازماندهی برای گذار از رژیم دیکتاتوری به رژیم دموکراتیک در سالزبورگ گرد آمدند. از پا افتادن کمونیسیم و پایان گرفتن نظام دو قطبی، دامنه دموکراسی سازی و آزادیهای سیاسی را گسترش داد و «گذار» به واژه‌ای برجسته چه در حقوق بین‌الملل و چه در روابط بین‌الملل تبدیل شد.

وفق داده شده با جوامع در حال گذار است که دورانی دراز از تجاوز به حقوق بشر را پشت سر نهاده‌اند. (Andrieu, 2010). به هر روی، عدالت انتقالی مفهومی سیاسی است که از سوی سازمان ملل متحد عملی شده است و سازمانهای منطقه‌ای، نهادهای مالی بین‌المللی و سازمانهای غیردولتی از آن پشتیبانی می‌کنند (Lekha and others, 2009). اصطلاح عدالت انتقالی نخستین بار در مقاله بوستون هرالد درباره کنفرانس ۱۹۹۲ بنیاد منشور در سالزبورگ با عنوان «عدالت در زمان گذار» دیده شد و پس از آن نشریاتی چون واشنگتن پست، لس‌آنجلس تایم و گاردین نیز این واژه را به کار بردند (Arthur, 2009). برخی کسان نیز برآنند که مفهوم عدالت انتقالی را نخستین بار نیل جی کریتز (Neil J. Kritz) در ۱۹۹۲ در نشریه‌ای به نام صدای طرف سوم منتشر شده از سوی مؤسسه آمریکایی «صلح» توضیح داده است. ولی چنان‌که گفته شد، جنبه‌های عملی آن به دادگاههای نورنبرگ و توکیو باز می‌گردد (ربانی، ۱۳۸۷).

**هدفهای عدالت انتقالی:** هدفهای عدالت انتقالی را

می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- مشخص کردن موارد نقض حقوق بشر در گذشته؛
- ۲- بررسی و تبیین جرایم؛
- ۳- شناسایی مسئولان و مرتکبان نقض حقوق بشر؛
- ۴- به کیفر رساندن مسئولان نقض حقوق بشر؛

سرد چنان‌که باید در پهنه روابط بین‌الملل نمود نیافت، ولی مدل ایجاد شده، زمینه‌ساز تصمیم سازمان ملل درباره راه‌اندازی یک دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا و همچنین دادگاه کیفری بین‌المللی گردید. به‌هرروی، ایده هنجار تازه «دخالت قضایی بین‌المللی» پس از آن دوران مطرح شد. (Andrieu, 2010)

تحریمها و مجازاتهای در نظر گرفته شده برای آلمان، چند سالی پس از جنگ پایان یافت و با آغاز دهه ۵۰، جنگ سرد و موازنه قدرت دو قطبی یک موازنه سیاسی عمومی و بن‌بستی در برابر خواست عدالت انتقالی پدید آورد. سالهای پس از جنگ سرد با موجی از انتقال دموکراسی و دموکراسیزاسیون که از ۱۹۸۹ آغاز شده بود، پیوند داشت. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و برآمدن کشورهایی تازه از دل آن، با یک رشته برخورد و ستیز در درون این کشورها همراه بود (Teitel, 2003). اندیشه عدالت انتقالی بعنوان یک رشته پژوهشی گسترده، نخستین بار در جریان «موج سوم» دموکراسیزاسیون در آمریکای لاتین و اروپای خاوری و بویژه در روند گذار از رژیم دیکتاتوری یا اقتدارگرا به دموکراسی با بازار آزاد رخ نمود. در سال ۱۹۹۲، در چارچوب «بنیاد منشور ۷۷» (Charter 77 Foundation) سرانی از کشورها از جمله کشورهای آمریکای جنوبی، آفریقا، اروپای مرکزی و خاوری با هدف معرفی بهترین روش سازماندهی برای گذار از رژیم دیکتاتوری به رژیم دموکراتیک در سالزبورگ گرد آمدند. از پا افتادن کمونیسیم و پایان گرفتن نظام دو قطبی، دامنه دموکراسی سازی و آزادیهای سیاسی را گسترش داد و «گذار» به واژه‌ای برجسته چه در حقوق بین‌الملل و چه در روابط بین‌الملل تبدیل شد. برپایه تعریف «مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی» (International Center for Transitional Justice) که یک نهاد پژوهشی نوپا در نیویورک است و با رژیمهای انتقالی کار می‌کند، «عدالت انتقالی پاسخی است به خشونت‌های گسترده یا سیستماتیک در زمینه حقوق بشر که قربانیان را شناسایی می‌کند و در راه ایجاد امکانات برای صلح و آشتی و دموکراسی می‌کوشد. عدالت انتقالی نوع ویژه‌ای از عدالت نیست؛ عدالت

هدف آن اعاده شأن و جایگاه قربانیان و بازگرداندن مرتکبان جنایت به جامعه، با مکانیزم کمیسیونهای حقیقت‌یاب است.

۳- «عدالت جبرانی» (Reparative Justice) که هدف آن جبران شدن خسارت قربانیان و مکانیزم آن پژوهش‌خواهی و تلافی است (Quinn, 2009).

**سازوکارهای عدالت انتقالی:** عدالت انتقالی بر چهار سازوکار حقوقی قرار گرفته است: ۱- دادگاهها شامل دادگاههای مدنی یا کیفری، ملی یا بین‌المللی و داخلی یا خارجی؛ ۲- تحقیق که در برگیرنده بررسیهای ملی رسمی از سوی کمیسیونهای حقیقت‌یاب، کمیسیونهای تحقیق بین‌المللی، سازوکارهای سازمان ملل متحد با همکاری نهادهای بین‌المللی غیر حکومتی و... است؛ ۳- تعیین غرامت که دربرگیرنده غرامتهای تکمیلی، تشویقی و نمادین به‌منظور جبران خسارتهای مادی یا ایجاد سازش است؛ ۴- اصلاحات حقوقی و قضایی که شامل اصلاحات محتوایی و شکلی است که در حالت نخست اصلاحات قانونی، روشی و آیین‌نامه‌ای و در حالت دوم دربرگیرنده اصلاحات نهادی و ساختاری است (ذاکریان، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

تشکیل کمیسیونهای حقیقت‌یاب، دادگاههای کیفری بین‌المللی، تعیین غرامت، پژوهش‌خواهی صریح و دیگر سازوکارهای عدالت انتقالی، آیینهای تازه در دوران پس از جنگ سرد است. هدف این سازوکارها، ترویج آشتی در جوامعی که نقض گسترده حقوق بشر را تجربه کرده‌اند، پیشبرد اصلاحات و دموکراسی و سرانجام کاهش دادن تنش است (Haggeman.com, 2011).

### کارایی عدالت انتقالی در لیبی

برپایه تعریف گروه کاری سازمان ملل درباره «درسهای آموخته شده» (UN Working Group on Lessons Learnd) عدالت انتقالی راهبردی است در برابر نقض کلان یا سیستماتیک حقوق بشر که هم زمینه جبران شدن خسارت قربانیان را فراهم می‌کند و هم فرصتها برای گذار از سیستمهای سیاسی، درگیریها و دیگر پدیده‌هایی را که تجاوزها ریشه در آن دارد ایجاد می‌کند و افزایش می‌دهد. بدین‌سان، باید منطقه‌ای

۵- تخصیص غرامت به قربانیان نقض حقوق بشر و جلوگیری از تکرار شدن نقض حقوق بشر؛

۶- جلوگیری از نقض حقوق بشر در آینده؛

۷- بازسازی و ترمیم روابط میان شهروندان و حکومتها؛

۸- تحکیم صلح و دموکراسی و پشتیبانی از آن؛

۹- تشویق و ترغیب به سازش و همزیستی در سطوح فردی و ملی (ذاکریان، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

به سخن دیگر، هدفهای عدالت انتقالی عبارت است از:

۱- تلاش برای تسکین دردهای آن بخش از جامعه که در آن نقض حقوق بشر صورت پذیرفته است ۲- کاهش و پایان دادن به آسیبهایی که به افراد و جامعه رسیده است، بویژه از راه گفتن حقیقت ۳- فراهم ساختن زمینه برای رسیدن قربانیان به عدالت و کیفر دیدن خطاکاران ۴- بازگرداندن حاکمیت قانون ۵- برپا داشتن نهادهایی برای ترویج دموکراسیزاسیون و حقوق بشر ۶- ایجاد این اطمینان که نقض حقوق بشر تکرار نمی‌شود و ۷- ترویج همزیستی و صلح پایدار (Naraghi and others, 2009).

**راهبردهای عدالت انتقالی:** سه راهبرد در زمینه عدالت انتقالی عبارت است از:

۱- «عدالت کیفری» (Retributive Justice) که هدف آن اصلاح مرتکبان جنایتها با ابزار پیگرد و تنبیه در چارچوب دادگاهها و دیوانهاست.

۲- «عدالت بازگرداننده» (Restorative Justice) که

● برپایه تعریف «مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی» که یک نهاد پژوهشی نوپا در نیویورک است و با رژیمهای انتقالی کار می‌کند، «عدالت انتقالی پاسخی است به خشونت‌های گسترده یا سیستماتیک در زمینه حقوق بشر که قربانیان را شناسایی می‌کند و در راه ایجاد امکانات برای صلح و آشتی و دموکراسی می‌کوشد. عدالت انتقالی نوع ویژه‌ای از عدالت نیست؛ عدالت وفق داده شده با جوامع درحال گذار است که دورانی دراز از تجاوز به حقوق بشر را پشت سر نهاده‌اند.»

• **تشکیل کمیسیونهای حقیقت‌یاب، دادگاههای کیفری بین‌المللی، تعیین غرامت، پوزش‌خواهی صریح و دیگر سازوکارهای عدالت انتقالی، آیینهای تازه در دوران پس از جنگ سرد است. هدف این سازوکارها، ترویج آشتی در جوامعی که نقض گسترده حقوق بشر را تجربه کرده‌اند، پیشبرد اصلاحات و دموکراسی و سرانجام کاهش دادن تنش است.**

در آفریقای جنوبی باشد. (Tupaz and Wagner, 2011) البته تشکیل کمیسیونهای بین‌المللی تحقیق برای لیبی کارایی بیشتری دارد زیرا به علت تعدد گروههای رقیب در لیبی، برپا شدن یک کمیسیون بیطرف برای تحقیق هم از پذیرش بیشتری برخوردار است و هم امکان اجرا شدن آرای آن بیشتر خواهد بود.

از سوی دیگر، جامعه بین‌المللی این نکته را روشن ساخته است که کسانی که مرتکب جنایتهای بین‌المللی جدی می‌شوند، نباید بی‌کیفر بمانند. برپایه حقوق بین‌الملل، دولتها مکلفند کسانی را که دست به ژنوساید، شکنجه و جنایت نسبت به بشریت می‌زنند به دادگاه بکشانند و اگر دولتی توانایی این کار را ندارد یا خواهان آن نیست، گزینه بعدی این است که اینکار به دست دادگاههای بین‌المللی انجام گیرد (Aiv, 2009). البته در زمینه شناسایی قربانیان، روشن است که پس از شناسایی آنان، باید عدالت انتقالی به‌اجرا درآید و خسارت ایشان جبران شود، وگرنه شناسایی قربانیان بدون پرداخت غرامت، بی‌فایده خواهد بود.

آنچه در کشور بی‌سامان لیبی کارایی اساسی دارد، واپسین سازوکار عدالت انتقالی یعنی اصلاحات حقوقی و قضایی است. لیبی به یک قانون اساسی، نهادهای کثرت‌گرا و مکانیسمهای مبتنی بر مشارکت برای مهار کردن قدرت بیش از اندازه قبایل نیاز دارد. قانون اساسی ۱۹۵۱ سودمند است، زیرا یک ساختار فدرال را بنیاد نهاده است که درجه‌ای از اقتدار و چرخش قدرت میان تریپولی و بن‌غازی را فراهم می‌کند (Wehrey, 2011).

چند سال پیش جلال‌الجلال سخنگوی شورای

وجود داشته باشد که در آنجا نقض کلان حقوق بشر رخ داده باشد؛ همچنین برخوردهای گسترده و بنیادی وجود داشته باشد و سرانجام خسارت قربانیان جبران شود (Friedman, 2011).

از سوی دیگر، نکته مورد پذیرش همه صاحب‌نظران در تعریف امنیت، «ضرورت پاسداری از خود» است. امنیت ملی، امنیت دولت/ ملت متشکل از تک‌تک شهروندان است که سرنوشت مشترک دارند. به سه شیوه می‌توان به بررسی امنیت ملی پرداخت: ۱- تمرکز بر کردار تصمیم‌گیرندگان؛ ۲- تمرکز بر اوضاع داخلی کشورها، از جمله نقش گروههای ذینفوذ، ایدئولوژی ملی، افکار عمومی، نیازهای اقتصادی و سیاسی؛ ۳- از رهگذر نظام حاکم بین‌الملل و محیطی که کشورها در آن زندگی می‌کنند (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۷۹). ولفرز در این زمینه، خواهان تمرکز بر افراد انسانی است زیرا از دید او، رفتار دولتها ریشه در کنشهای روان‌شناختی گردانندگان آنها دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۸۹).

تشکیل دادگاهها بویژه دادگاههای دو وجهی (Hybrid) با هدف به کیفر رساندن عاملان جنایت نسبت به بشریت می‌تواند عاملی کارساز در زمینه اقتناع افکار عمومی در لیبی و نیز درس عبرتی برای ناقضان حقوق بشر در دیگر نقاط جهان باشد. تشکیل دادگاههای دو وجهی می‌تواند بهترین گزینه برای لیبی باشد، زیرا در این دادگاهها بازیگران داخلی و بین‌المللی مطرح می‌شوند. به هر روی اگر لیبی می‌خواهد به عدالت انتقالی یا عدالت موقت دست یابد، دولت باید دادگاههایی تشکیل دهد، حتی اگر این کار چاره‌ای موقت باشد (Tupaz and Wagner, 2011).

سازوکار دوم یعنی تحقیق نیز می‌تواند راهگشا و کارساز باشد: تحقیق درباره کسانی که دست به کارهای غیرانسانی زده‌اند و همچنین تحقیق به‌منظور شناسایی کسانی که در درگیریها خسارت و آسیب دیده‌اند. شناسایی هر دو گروه به دولت و جامعه بین‌المللی کمک می‌کند تا هم بتوانند خسارت قربانیان را جبران کنند و هم بزهدکاران شناسایی شده را به دادگاههای بین‌المللی یا داخلی معرفی کنند. شاید یک نمونه آموزنده برای لیبی، کمیسیونهای حقیقت‌یاب و مصالحه



متحد، ۲۰۰۴).

در مکانیزم عدالت انتقالی، بازیگران محلی، ملی و بین‌المللی درگیرند. تشکیل دادگاهها، کمیسیونها و روندهای حل منازعه، در راستای گذار از حالت منازعه است (Naraghi and others, 2009). همچنانکه جوامع، در حال گذار از جنگ به صلح هستند، پژوهشگران در زمینه عدالت انتقالی به این پرسش می‌اندیشند که چگونه باید در برابر بی‌عدالتی اجتماعی و الگوهای خشونت ساختاری که ممکن است در سایه درگیریها پیش آید، رفتار شود و این پدیده‌ها می‌تواند تبعیض، اخراج، به حاشیه راندن یک گروه از میان گروههای قومی، مذهبی، جنسی و... باشد. با افکندن نگاهی به گذشته در زمینه ژنوساید در آمریکای شمالی و جنوبی و مردمان بومی در استرالیا و موارد آپارتاید در می‌یابیم که این پدیده‌ها هنوز وجود دارد و شوربختانه گسترش هم یافته است (Mani, 2008).

در مورد لیبی، هرچند این کشور اساسنامه رم درباره تشکیل دیوان بین‌المللی را امضا نکرده است، ولی ارجا شدن وضع این کشور از سوی شورای امنیت به دیوان، گویای وجود اراده جدی در سطح شورای امنیت برای رویارویی با «بی‌کیفر ماندن جنایتکاران» است و نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی نگران سرنوشت مردمان گرفتار حکومت‌های ستمگر است (محبی، ۱۳۹۰:۱۰۵). در ۲۵ فوریه ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد عضویت لیبی در این شورا را تعلیق کرد و برای تحقیق در مورد نقض حقوق بشر در لیبی به تشکیل کمیته حقیقت‌یاب دست زد. در همان روز، بان‌کی‌مون دبیر کل سازمان ملل متحد در شورا اعلام کرد که جامعه بین‌المللی باید در برابر حمایت نکردن دولت لیبی از شهروندانش واکنش نشان دهد. دبیر کل یادآوری کرد که دولت لیبی مسئول اصلی پاسداری از شهروندان است و چون به تعهدات خود در این زمینه عمل نکرده و دست به کشتار آنان زده است، جامعه بین‌المللی باید این خلأ را پر کند (زمانی، ۱۳۹۰:۱۲۳). بدین‌سان، روشن است که اگر دولت لیبی خواهان اجرای سازوکارهای عدالت انتقالی باشد، جامعه بین‌المللی آمادگی لازم را برای پیش بردن این برنامه دارد. البته رهبران موقت در لیبی

ملی انتقالی به درستی گفت که بسیاری از خشونت‌ها به این علت رخ می‌دهد که در لیبی قوانینی برای اجرای عدالت وجود ندارد (Tupaz and Wagner, 2011). به هر روی، ساختار قدرت در زمان سرهنگ معمر قذافی، مانع پاک‌کردن نهادهای نیرومند در زمینه تصویب و اجرای قوانین کارآمد بوده و لازم است که دولت تازه هم‌زمان با تشکیل دادگاهها و کمیسیونهای تحقیق، به تدوین یک قانون اساسی کارآمد و پس از آن راه‌اندازی نهادهای برای اجرای قوانین بپردازد.

### فرجام سخن

جنگهای آزادیبخش یا درگیریهای مسلحانه‌ای که در چارچوب جنبشهای آزادیبخش ملی صورت می‌گیرد، برپایه مقررات حقوق بشردوستانه، درگیری بین‌المللی شناخته می‌شود. جنگهای آزادیبخش، جنگ در برابر حکومت‌های نژادپرست و مبارزه مردمان در سرزمینهای اشغالی، از درگیری‌هاییست که حقوق بشردوستانه و مقررات ناظر به مخاصمات، آنها را آشکارا در شمار مخاصمات بین‌المللی می‌داند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰:۱۱۳). گروههای کاری چندی نیز در سازمان ملل متحد تشکیل شده است که درباره ناپدید شدنهای اجباری یا ناخواسته، اعدام‌های سریع، شکنجه، بازداشت خودسرانه، تبعیض نژادی، خشونت نسبت به زنان، فروش کودکان، نبود مدارای مذهبی، آوارگان در کشور خود، مهاجران، مدافعان حقوق بشر، آزادی بیان، استقلال دستگاه قضایی، دادن غرامت و جبران خسارت قربانیان، فقر شدید، مزدوران، تعدیل ساختاری و بدهی خارجی و حقوق توسعه گزارش می‌دهند (سازمان ملل

● برپایه تعریف گروه کاری سازمان ملل درباره «درسهای آموخته شده» (UN Working Group on Lessons Learnd)، «عدالت انتقالی راهبردی است در برابر نقض کلان یا سیستماتیک حقوق بشر که هم زمینه جبران شدن خسارت قربانیان را فراهم می‌کند و هم فرصتها برای گذار از سیستمهای سیاسی، درگیریها و دیگر پدیده‌هایی را که تجاوزها ریشه در آن دارد ایجاد می‌کند و افزایش می‌دهد».

● جامعه بین‌المللی این نکته را روشن ساخته است که کسانی که مرتکب جنایتهای بین‌المللی جدی می‌شوند، نباید بی‌کیفر بمانند. برپایه حقوق بین‌الملل، دولت‌ها مکلفند کسانی را که دست به ژنوساید، شکنجه و جنایت نسبت به بشریت می‌زنند به دادگاه بکشانند و اگر دولتی توانایی این کار را ندارد یا خواهان آن نیست، گزینه بعدی این است که این کار به دست دادگاههای بین‌المللی انجام گیرد.

نیست. همچنین، بسیاری از این کمیسیونها در تأمین مصلحت عمومی و آگاهی‌بخشی شکست خورده‌اند: در جاهایی همچون هایتی و اوگاندا، پس از گذشت سالها، هنوز گزارش کمیسیونهای حقیقت‌یاب منتشر نشده است (Call, 2004).

از سوی دیگر چنین پدداست که در لیبی، کوششها بیشتر بر انتخابات و تدوین قانون اساسی متمرکز شده است تا بر سیستم عدالت. حکومت در طرابلس را اسلامگرایان رهبری می‌کنند و منبع اصلی قانون‌گذاری در اسلام، شریعت است، درحالی که غرب به موضوعاتی چون محترم شمرده شدن حقوق غیر مسلمانان، آزادی مذهب، نظام دموکراتیک چند حزبی، برابری زنان و مردان در برابر قانون، حقوق مرتبط با مالکیت، تحصیلات و امنیت اجتماعی نظر دارد (Tupaz dnd Wagner, 2011). ناسازگاری هدفهای غرب (که در برخی موارد از هدفهای عدالت انتقالی است) با هدفهای شورای انتقالی ملی در لیبی، چه بسا مشکلاتی در زمینه برقراری عدالت انتقالی در آن کشور پدید آورد.

#### پی‌نوشتها

۱. «بررسی اوضاع سیاسی لیبی و نقش داعش در آن کشور» Available at [www.pe.annabaa.org/news2016](http://www.pe.annabaa.org/news2016)
۲. تراپی، محمد (۱۳۷۹)، «ساختار نظام بین‌الملل و امنیت ملی با تأکید بر جهان سوم»، علوم سیاسی، شماره ۹، تابستان، صص ۱۷۹-۱۷۷
۳. حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد (۲۰۰۴)، مرکز

اعلام کردند که سخت در پی تنظیم فهرستی دراز از کشته شدگان و شکنجه‌شدگانند و به اجرای برنامه‌هایی که در آفریقای جنوبی، اروپا و آمریکای لاتین پیاده شده است می‌اندیشند. محمداللاگی، وزیر دادگستری موقت لیبی گفته بود که «ما شیلی، آرژانتین و آفریقای جنوبی را بعنوان الگو در زمینه تشکیل کمیسیونهای سازش و حقیقت‌یاب که تأکیدشان بیشتر بر یافتن حقیقت و پاسخگوییست تا کیفر دادن» برگزیده‌ایم. او پیشنهاد کرده بود که یک کمیته تحقیق برای روشن شدن آنچه رخ داده است برپا شود. او گفت برای ساختن دوباره جامعه، شهروندان باید حقیقت را بدانند و افزود چه چیز مهمتر از این است که بفهمیم چه کسی این جنایتهای مرتکب شده است (Nossiter, 2011). بدین‌سان، به‌نظر می‌رسد که رهبران کنونی لیبی آمادگی لازم در این زمینه را دارند و از سوی دیگر امکانات مادی نیز فراهم است، زیرا لیبی از منابع سرشار نفتی برخوردار است و در سنجش با دیگر سرزمینهایی که گرفتار بحرانهایی از این دست بوده‌اند یا هستند، وضع بهتری دارد. لیبی ثروتمندتر از بوسنی، کوزوو، عراق و افغانستان است و جنگ و تحریمها هم به اقتصاد این کشور به اندازه چهار کشور یاد شده آسیب نزده است. بنابراین لیبی باید زودتر از این کشورها به اقتصاد پیش از جنگ بازگردد (Dobbins and Wehery, 2011). البته ادامه یافتن درگیریها در لیبی خسارتهای سنگین به منابع نفتی آن کشور زده و نیز سبب شده است که بخشی از امکانات بالقوه کشور در خدمت گروههای تروریست همچون داعش قرار گیرد. در سال ۲۰۱۶، رییس شرکت نفت ملی لیبی تخمین زد که نزدیک به ۷۰ میلیارد دلار از ظرفیت صادرات نفت به‌علت جنگ از دست رفته است (Chandler, 2016).

گفتنی است که در گذشته، اجرای عدالت انتقالی با مشکلاتی روبه‌رو بوده است که چه بسا در لیبی نیز نمود یابد. از جمله اینکه در کمیسیونهای حقیقت‌یاب، بیشتر قربانیان مورد توجه بوده‌اند تا مرتکبان جنایتهای برای نمونه، کمیسیون سازش و حقیقت‌یاب در تیمور شرقی کمابیش هفت هزار مدرک و سند گرد آورده است که هیچ یک از آنها مربوط به مرتکبان جنایتهای



14. Andrieu, Kora. (2010) "Transitional Justice: a New Discipline in Human Rights" Available at [http://www.massviolence.org/pdfversion?id\\_article=359](http://www.massviolence.org/pdfversion?id_article=359)
15. Arthur, Paige (2009) "How Transitions Reshaped Human Right" Available at [http://muse.jhu.edu/journals/human\\_rights\\_quarterly/.../31.2.arthur.html](http://muse.jhu.edu/journals/human_rights_quarterly/.../31.2.arthur.html)
16. Call, Charles T (2004) "Is Transitional Justice Really Just?" Available at <http://www.watsoninstitute.org/bjwa/archive/11.1/.../Call.pdf>
17. Chanler, Adam (2016) "Libya, ISIS, and the Flow of Foreign Fighters" Available at [www.theatlantic.com/international/archive/2016/03/isis/libya-un-report/473475/](http://www.theatlantic.com/international/archive/2016/03/isis/libya-un-report/473475/)
18. Dobbins, Games and Wehrey, Fredric (2011) "Libya Nation Building After Qaddafi" Available at <http://www.foreignaffairs.com/.../libyan-nation-building-after-qaddafi>
19. Friedman, Andre (2011) "Transitional Justice and Local Ownership: A Framework for the Protection of Human Rights" Available at [http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=1919874](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1919874)
20. Lekha Sriram, Chandra and others (2009) "Evaluating and Comparing Strategies of Peacebuilding and Transitional Justice" Available at [http://www.lu.se/upload/LUPDF/.../Just\\_and.../Workingpaper1.pdf](http://www.lu.se/upload/LUPDF/.../Just_and.../Workingpaper1.pdf)
21. Mani, Rama (2008) "Editorial Dilemmas of Expanding Transitional Justice, or Forging the Nexus Between Transitional Justice and Development" The International Journal of Transitional Justice Vol.2, pp253- 265 Available at <http://jft-newspaper.aub.edu.lb/reserve/data/f090147/f090147.pdf>
- اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران
۴. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۵) «عدالت انتقالی: پایه‌های آرامش قربانیان نقض حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۲، پاییز، صص ۱۳۴-۱۲۱
۵. ذاکریان، مهدی (۱۳۹۰)، «عدالت انتقالی در قرآن مجید»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۲، پاییز، صص ۱۷۲-۱۶۶
۶. ربانی، همایون (۱۳۸۷) «عدالت انتقالی در افغانستان» Available at <http://www.andishaha.blogfa.com/post-14.aspx>
۷. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۰)، «جریحه‌دار شدن وجدان جمعی، دخالت جامعه جهانی» مهنرنامه، شماره ۱۱، اردیبهشت، صص ۱۲۳-۱۲۱
۸. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «دست شورای امنیت باز است»، مهنرنامه، شماره ۱۱، اردیبهشت، صص ۱۱۵-۱۱۲
۹. علامه، غلام حیدر (۱۳۸۵)، جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌المللی کیفری، تهران: میزان
۱۰. کیتیاچایساری، کریانگساک (۱۳۸۲)، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، تهران: دانشور
۱۱. «مجازات و عفو در چارچوب عدالت انتقالی» (۱۳۹۰) Available at <http://haggeman.blogfa.com/post-4.aspx>
۱۲. محبی، سعید (۱۳۹۰)، «عاقبت سخره گیرنده نظام ملل متحد» مهنرنامه، شماره ۱۱، اردیبهشت، صص ۱۰۶-۱۰۴
۱۳. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل تهران: سمت
- در مکانیزم عدالت انتقالی، بازیگران محلی، ملی و بین‌المللی درگیرند. تشکیل دادگاهها، کمیسیونها و روندهای حل منازعه، در راستای گذار از حالت منازعه است. همچنان که جوامع، در حال گذار از جنگ به صلح هستند، پژوهشگران در زمینه عدالت انتقالی به این پرسش می‌اندیشند که چگونه باید در برابر بی‌عدالتی اجتماعی و الگوهای خشونت ساختاری که ممکن است در سایه درگیریها پیش آید، رفتار شود و این پدیده‌ها می‌تواند تبعیض، اخراج، به حاشیه راندن یک گروه از میان گروههای قومی، مذهبی، جنسی و... باشد.

● در گذشته، اجرای عدالت انتقالی با مشکلاتی روبه‌رو بوده است که چه بسا در لیبی نیز نمود یابد. از جمله اینکه در کمیسیونهای حقیقت‌یاب، بیشتر قربانیان مورد توجه بوده‌اند تا مرتکبان جنایتها. برای نمونه، کمیسیون سازش و حقیقت‌یاب در تیمور شرقی کمابیش هفت هزار مدرک و سند گرد آورده است که هیچ‌یک از آنها مربوط به مرتکبان جنایتها نیست. همچنین، بسیاری از این کمیسیونها در تأمین مصلحت عمومی و آگاهی‌بخشی شکست خورده‌اند: در جاهایی همچون هاییتی و اوگاندا، پس از گذشت سالها، هنوز گزارش کمیسیونهای حقیقت‌یاب منتشر نشده است.

justice Transitional Libya” Available at  
<http://jurist.org/sidebar/2011/11/tupaz-wagner-libya-transition.php>

28. Wehrey, Fredric (2011) “Libya Terra Incognita” Available at  
<http://www.foreignaffairs.com/articles/67551/.../libyas-terra-incognita>

22. Naraghi, Sanam and others (2008) “Transitional Justice and reconciliatio” Available at  
[http://www.huntalternatives.org/download/49\\_transitional\\_justice.pdf](http://www.huntalternatives.org/download/49_transitional_justice.pdf) Transitional Justice and Reconcnsitional Justice

23. Nossiter, Adam (2011) “On Road to Reconciliation, Libya Meets Trail of Anguish” Available at  
<http://www.nytimes.com/.../libyas-new-leaders-to-investigate-qaddafi-and-c...>

24. Quinn, Joanna (2009) “Transitional Justice” Available at  
<http://www.politicalscience.uwo.ca/faculty/quinn/>

25. Teitel, Ruti G(2003) “Transitional Justice Genealogy” Harvard Human Rights Journal vol 16 pp70-94 Available at  
<http://www.law.harvard.edu/students/orgs/hrj/iss16/teitel.shtml>

26. “Transitional Justice and Peace in Situation of transition” (2009) Available at  
[http://www.aiv-advies.nl/ContentSuite/.../aiv/doc/AIV\\_65-19\\_webversie.pd](http://www.aiv-advies.nl/ContentSuite/.../aiv/doc/AIV_65-19_webversie.pd)

27. Tupaz, Edsel and Wagner, Daniel(2011) “Insuring